

## سوالات درس دو : ریشه و شاخه های فلسفه

### جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- دانش فلسفه دارای یک بخش اصلی و تعدادی بخش های فرعی است. بخش اصلی به منزله ..... و ..... فلسفه است. ریشه - اساس
- ۲- هستی شناسی، درباره قوانین و احکام کلی و عام کلی بر ..... و ..... بحث می کند. هستی - وجود
- ۳- معرفت شناسی، توانایی انسان در شناخت ..... را مورد مطالعه قرار می دهد. هستی
- ۴- از آنجا که معرفت به ..... فرع بر امکان شناخت آن است، فیلسوفان می خواهند توانایی انسان در شناخت ..... را هم بررسی کنند. شناخت- هستی
- ۵- شاخه های دانش فلسفه، آن دسته از دانش های فلسفی هستند که قوانین بنیادی ..... و ..... را به محدوده های خاص منتقل می سازند. وجود شناسی- معرفت شناسی
- ۶- این قبیل شاخه های فلسفه (فلسفه اخلاق، فلسفه دین و ...) را «.....» می نامند زیرا کلمه فلسفه به کلمه ای که نام آن دانش یا موضوع خاص است اضافه شده است. فلسفه های مضاف
- ۷- مبانی و زیربنای علوم در فلسفه های ..... قرار دارند و آنچه در فلسفه های مضاف پذیرفته شود، ..... و شالوده نظریات در علوم قرار می گیرد. مضاف- اساس
- ۸- فلسفه علوم اجتماعی، یکی از شاخه های مهم فلسفه است. یکی از مسائل مورد توجه در این شاخه از فلسفه این است که آیا جامعه ..... و اهمیت دارد یا ..... اصالت- فرد
- ۹- آنان که به اصالت فرد معتقدند، همواره منافع و مصلحت ..... را بر منافع ..... مقدم می دانند. افراد- جامعه
- ۱۰- طرفداران اصالت فرد، در سیاست معتقد به ..... هستند که تأمین کننده آزادی های فردی است. لیبرالیسم
- ۱۱- طرفداران اصالت جامعه معتقدند که افراد یک جامعه، نقش و هویت ..... ندارند و افکار و تصمیم گیری های آنان تابع ..... اجتماعی آنان است. مستقلی- شرایط
- ۱۲- طرفداران اصالت جامعه در سیاست به ..... اعتقاد دارند که تأمین کننده منافع جمعی است. سوسیالیسم

### عبارت های صحیح و غلط را مشخص کنید.

- ۱۳- دانش فلسفه دارای یک بخش اصلی و تعدادی بخش های فرعی است. صحیح
- ۱۴- بخش اصلی فلسفه به منزله ریشه و پایه فلسفه است به بررسی اصل و حقیقت وجود می پردازد صحیح
- ۱۵- معرفت به وجود اصل و اساس امکان شناخت است. غلط
- ۱۶- فیلسوفان تلاش می کنند قوانین و احکامی را که مربوط به خود هستی و وجود است به دست آورند. صحیح
- ۱۷- بخش اصلی و ریشه ای فلسفه به سه بخش تقسیم می شود هستی شناسی- وجود شناسی- معرفت شناسی. غلط
- ۱۸- هستی شناسی، درباره توانایی انسان در شناخت هستی بحث می کند. غلط
- ۱۹- معرفت شناسی، قوانین و معارف کلی و عام کلی در شناخت هستی است. غلط

- ۲۰- آن دسته از دانش های فلسفی که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده خاص منتقل می کنند اصل فلسفه اند. غلط
- ۲۱- اگر کسی در وجودشناسی پذیرفته باشد که «وجود بر دو قسم مادی و مجرد از ماده است» چنین کسی در انسان شناسی فلسفی خود می تواند بگوید که «انسان» نیز دارای دو بعد مادی و مجرد است. صحیح
- ۲۲- وجود شناسی و معرفت شناسی ریشه فلسفه است. صحیح
- ۲۳- فلسفه اخلاق، دین، تاریخ و... شاخه های فلسفه اند. صحیح
- ۲۴- علم اخلاق، علم تاریخ، علم دین و... دانش های خاص هستند. صحیح
- ۲۵- به فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه تاریخ و... فلسفه های اولی گفته می شود. غلط
- ۲۶- به فلسفه دین، فلسفه اخلاق، چون کلمه فلسفه به کلمه ای که نام آن دانش یا موع خاص اضافه شده، فلسفه های مضاف گفته می شود. صحیح

۲۷- مبانی وزیر بناهای علوم در فلسفه اولی قرار دارند. غلط

۲۸- آنچه در فلسفه های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می گیرد. صحیح

۲۹- یکی از مسائل مورد توجه در فلسفه علوم اجتماعی این است که اصالت با جامعه است یا فرد. صحیح

۳۰- در فلسفه علوم اجتماعی همه فیلسوفان این رشته معتقد به اصالت جامعه هستند. غلط

۳۱- فیلسوفانی که به اصالت فرد اعتقاد دارند، همواره منافع و مصلحت افراد را بر منافع جامعه مقدم می دانند. صحیح

۳۲- طرفداران اصالت فرد در سیاست معتقد به سوسیالیسم هستند که تأمین کننده آزادی های فردی است. غلط

۳۳- طرفداران اصالت جامعه معتقدند که افراد یک جامعه، نقش و هویت مستقلی ندارند. صحیح

۳۴- طرفداران اصالت جامعه معتقدند افکار و تصمیم گیری های افراد در یک جامعه، تابع شرایط اجتماعی آنان است. صحیح

۳۵- طرفداران اصالت جامعه در سیاست به سوسیالیسم اعتقاد دارند که تأمین کننده منافع جمعی است. صحیح

۳۶- دیدگاه سومی در فلسفه علوم اجتماعی وجود دارد که معتقد است نه اصالت با فرد و نه جامعه غلط

### سوالات کوتاه پاسخ

۳۷- دانش فلسفه دارای چند بخش اصلی و فرعی است؟ داری یک بخش اصلی و تعدادی بخش های فرعی

۳۸- بخش اصلی فلسفه در چه موردی بحث و بررسی می کند؟ اصل و حقیقت وجود

۳۹- بخش اصلی و ریشه ای فلسفه به چند بخش تقسیم می شود نام ببرید؟ دو بخش: هستی شناسی - معرفت شناسی

۴۰- آن بخش از فلسفه که درباره قوانین و احکام کلی و عام کلی بر هستی و وجود بحث می کند چه نام دارد؟ هستی شناسی

۴۱- آن بخش از فلسفه که توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد چه نام دارد؟ معرفت شناسی

۴۲- کدام یک از بخش های فلسفه، ریشه فلسفه هستند؟ وجودشناسی و معرفت شناسی

۴۳- آن دسته از دانش های فلسفی که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده های خاص منتقل می سازند چه نامیده می شوند؟ شاخه های فلسفه

۴۴- در حوزه های مانند اخلاق، دین، تاریخ و چگونه فلسفه های مانند فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه تاریخ شکل می گیرد؟ با تأمل فیلسوفانه

۴۵- یکی از مسائل مورد توجه فلسفه علوم اجتماعی چیست؟ آیا جامعه اصالت دارد یا فرد

۴۶- در مکاتب فلسفه علوم اجتماعی کدام مکتب تأمین کننده آزادی های فردی و کدام یک تأمین کننده منافع جمعی است؟ لیبرالیسم - سوسیالیسم

۴۷- در فلسفه علوم اجتماعی، چه مکتبی معتقد است که گرچه افراد تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار می گیرند، اما هیچ گاه قدرت اختیار و تصمیم گیری خود را از دست نمی دهند و توانایی تأثیر گذاری بر جامعه و حتی تغییر جامعه را دارند؟ دیدگاه سوم که معتقد است هم افراد اصالت دارند و هم جامعه

۴۸- چون امکان شناخت هستی اصل وریشه فلسفه است که معرفت به وجود، (وجودشناسی) فرع آن می باشد در این زمینه فیلسوفان در پی چه هستند؟ آنان می خواهند توانایی انسان در شناخت هستی را هم بررسی کنند و بدانند که بشر چگونه و با چه ابزاری می تواند به شناخت هستی بپردازد

۴۹- تلاش فیلسوفان در بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن به چه هدفی انجام می گیرد؟

فیلسوفان تلاش می کنند قوانین و احکامی را که مربوط به خود هستی و وجود است به دست آورند؛ مثلاً بدانند که آیا در هستی شناسی قانون علیت جاری است یا نه و از آنجا که معرفت به وجود فرع بر امکان شناخت آن است آنان می خواهند توانایی انسان در شناخت هستی را هم بررسی کنند و بدانند که بشر چگونه و با چه ابزاری می تواند به شناخت هستی بپردازد.

۵۰- هستی شناسی را تعریف کنید؟ بخش اصلی فلسفه که درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند.

۵۱- معرفت شناسی را تعریف کنید؟ بخش اصلی فلسفه که توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد.

۵۲- رابطه هستی شناسی و معرفت شناسی را بویسید؟ فلسفه در صدد شناخت بنیادی و عمیق وجود یا هستی است و معرفت و علم، نوعی از وجود است پس: دانش معرفت شناسی درون دانش هستی شناسی قرار دارد.

۵۳- مقصود از شاخه های دانش فلسفه چه دانش هایی است؟ شاخه های دانش فلسفه، آن دسته از دانش های فلسفی هستند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده های خاص منتقل می سازند و قوانین بنیادی آن محدوده از وجود را بیان می کنند.

۵۴- تفاوت بخش اصلی دانش فلسفه و شاخه های آن در چیست توضیح دهید؟ بخش اصلی فلسفه که به منزله ریشه و اساس فلسفه است در صدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است. و شاخه های دانش فلسفه، آن دسته از دانش های فلسفی اند که قوانین بنیادی وجود شناسی و معرفت شناسی را به محدوده های خاص منتقل می سازند و قوانین بنیادی آن محدوده از وجود را بیان می کنند.

۵۵- اگر کسی در وجود شناسی بپذیرد که، وجود بر دو قسم مادی و مجرد است، در زمینه انسان شناسی فلسفی چه دیدگاهی خواهد داشت؟ چنین کسی در انسان شناسی فلسفی خود می تواند بگوید که، انسان نیز دارای دو بعد مادی و مجرد است.

۵۶- دیدگاه کسانی که در زمینه انسان شناسی فلسفی، انسان را دارای دو بعد مادی و مجرد می دانند در علم روان شناسی چیست؟ کسانی که معتقد باشند انسان دارای این دو بعد مادی و مجرد است، در علم روان شناسی به بعد مجرد او هم می پردازند و جایگاه آن را در رفتار و تربیت نشان می دهند.

۵۷- آیا امروزه می توان برای هر رشته علمی یک شاخه از فلسفه نیز طراحی کرد توضیح دهید؟ بله، با تأمل فیلسوفانه در حوزه هایی مانند اخلاق، دین، تاریخ و طبیعت، شاخه هایی از فلسفه مانند فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه تاریخ و فلسفه طبیعت شکل می گیرد امروزه دامنه این فلسفه ها بسیار توسعه یافته و هر رشته علمی، دارای شاخه ای از فلسفه نیز هست، مانند فلسفه فرهنگ، فلسفه تکنولوژی و فلسفه حقوق

۵۸- مشخص کنید موارد مذکور به چه دانش، ریشه، و شاخه های فلسفه مربوط است؟

الف) وجود شناسی و معرفت شناسی (ب) فلسفه اخلاق (ج) علم اخلاق

الف: ریشه فلسفه ب: شاخه های فلسفه ج: دانش های خاص

۵۹- چرا این فلسفه های مضاف و علوم مختلف ارتباط وجود دارد؟ زیرا مبانی و زیر بناهای علوم در فلسفه های مضاف قرار دارند و آنچه در فلسفه های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می گیرد.

۶۰- در فلسفه علوم اجتماعی، منظور از مکتب اصالت جامعه و فرد را توضیح دهید؟ منظور از اصالت فرد: گروهی از فیلسوفان پیرو اصالت فرد هستند و جامعه را مجموعه ای از افراد می دانند که کنار هم زندگی می کنند گروهی از فیلسوفان معتقدند که افراد جامعه نقش و هویت مستقلی ندارند و افکار و اندیشه ها و تصمیم گیری های آنان تابع شرایط اجتماعی آنان است.

۶۱- در فلسفه علوم اجتماعی دیدگاه اصالت فرد و جامعه چه تأثیری بر شیوه بررسی مسائل اجتماعی توسط جامعه شناسان گذاشته است توضیح دهید؟ آنان که به اصالت فرد اعتقاد دارند، همواره منافع و مصلحت افراد را بر منافع و رشد فرد توجه دارند و در سیاست نیز معتقد

به « لیبرالیسم » هستند که تدمین کننده آزادی های فردی است. اما آنان که برای جامعه اصالت قائلند، برنامه های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی آنان ، سمت و سویی اجتماعی دارد و منافع جمع را در اولویت قرار می دهند و در سیاست نیز به « سوسیالیسم » اعتقاد دارند که تأمین کننده منافع جمعی است.

۶۲- در فلسفه علوم اجتماعی دیدگاه سومی که معتقد به اصالت فرد و جامعه می باشد را توضیح دهید؟ این گروه معتقدند که گرچه افراد تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار می گیرند، اما هیچ گاه قدرت اختیار و تصمیم گیری خود را از دست نمی دهند و توانایی تأثیر گذاری بر جامعه و حتی تغییر جامعه دارند. همچنین معتقدند که جامعه صرفاً جمع افراد نیست، بلکه باگرد هم آمدن افراد و زندگی طولانی آنان با یکدیگر، یک روح جمعی در جامعه شکل می گیرد که می تواند بر افراد جامعه تأثیر بگذارد و آنها را تابعی از ویژگی ها و ساختار جامعه قرار دهد.